



حاکمیت قرآن از دیدگاه امام صادق(ع)



مهناز رحیم پور*

چکیده :

ششمین پیشوای شیعیان، حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) به دلیل مصادف شدن بخشی از دوران امامت آن حضرت با فضای باز سیاسی، و گسترش فعالیت عصر ترجمه- از نظر پیدایش و رشد مشرب‌های گوناگون فقهی و کلامی و پیدایش فرقه‌های الحادی عصری حساس از نظر تضارب افکار و اندیشه‌ها- حوزه وسیعی را در جهان اسلام پدید آورده بود. در این دوران که امواج فکری و متشددی در جامعه اسلامی حضور داشتند و هریک به دنبال تثبیت خود بودند و تشخیص راه صحیح از خطوط انحرافی به دشواری صورت می‌پذیرفت، امام صادق(ع) با این جریان‌های فعالانه برخورد نمود، و با اتخاذ شیوه‌های مختلف و نیز طرح «اصل حاکمیت قرآن بر حدیث» ملاک درستی و نادرستی حدیث را مطابقت حدیث با قرآن قرار دادند و باین قاعده «ما لم یوافق من الحدیث القرآن فهو زخرف» مانع بسیاری از کجروی‌های فکری گردیدند. امام صادق(ع) از مفسرین به نام قرآن در عصر خویش در بین مذاهب اسلامی محسوب می‌شد، و اخبار تفسیری آن حضرت در تفاسیر؛ همچون: قمی، عیاشی، مجمع البیان و تفسیری عرفانی از آن حضرت

*نویسنده و پژوهشگر، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس حوزه و دانشگاه صدرا- تهران.

در کتاب حقائق التفسیر أبو عبدالرحمن سلمی - متوفی ۴۱۲ ق - روایت شده است .

کلید واژه ها : امام صادق (ع) جریانات فکری و فرهنگی ، وحدت آراء ، توجه به قرآن ، روایات تفسیری .

مقدمه

ششمین حجت برگزیده خدا ، حضرت امام جعفر بن محمد ، ملقب به صادق و مکتبی به أبو عبدالله است . مادر گرانقدر ایشان ، ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد .^۱

بنا به نقل برخی منابع ، آن حضرت در سال ۸۰ هجری و به نقل منابع دیگر در سال ۸۳ هجری دیده به جهان گشود .^۲ رحلت آن جناب به اتفاق مورخان در ماه شوال سال ۱۴۸ هجری در دوران خلافت منصور بود . در برخی کتب با اشاره به روز ۲۵ شوال روز شهادت ایشان ذکر کرده اند .^۳ درباره شخصیت علمی آن حضرت شواهد فراوانی وجود دارد . به نظر شیعه نصب ایشان به مقام امامت از جانب خداوند متعال بوده و این به آن معناست که آن حضرت دارای شرایط لازم برای احراز این منصب بوده است . آن حضرت در میان اهل سنت از نظر روایت ، حدیث ، فقه و فتوا از موقعیت شامخی برخوردار بودند .

آن حضرت را از شیوخ مسلم ، أبوحنیفه ، سفیان بن عیینة نام برده اند که از آن حضرت نقل حدیث کرده اند .^۴

مالک بن انس که مدتی در محضر امام صادق (ع) شاگردی کرده درباره آن حضرت می گوید : مدتی به خدمت جعفر بن محمد مشرف می شدم ، آن حضرت اهل مزاج بود و همواره تبسم ملایمی بر لب هایش نقش می بست . هنگامی که در محضر او نامی از رسول خدا (ص) برده می شد ، رنگش به سبزی و سپس به زردی می گرایید . در مدتی که به خانه آن حضرت رفت و آمد داشتم او را خارج از سه حال ندیدم ، یا نماز می خواند یا روزه بود یا به قرائت قرآن اشتغال داشت و هرگز بدون وضو از رسول خدا (ص) نقل حدیث نمی فرمود و سخنی به گزاف نمی گفت . ایشان از آن دسته از علمای زاهدی بود که ترس از خدا سراسر

وجودش را فرا گرفته بود ، هرگز به خدمت او شرفیاب نشدم جز این که زیر اندازش را از زیر پای خود برمی داشت و زیر پای من می گذاشت . ۵

در مورد کثرت شاگردان و راویان آن حضرت نقل شده : أصحاب حدیث نام راویان موثق از امام صادق (ع) را - به رغم اختلاف آراء و مشارب فکری - بالغ بر چهار هزار نفر بر شمرده اند .

دانشمندان و علمای برجسته ای در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز چون هشام بن حکم ، محمد بن مسلم ، أبان بن تغلب ، هشام بن سالم ، مؤمن طاق ، جابر بن حیان و غیره به برکت وجود آن حضرت تربیت شدند . ۶

به سبب آن که تکیه اصلی شیعه از نظر فکری و عقیدتی بر امام صادق (ع) بود و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت (ع) توسط این امام گسترش یافته است ، به شیعه اثنا عشری ، شیعه جعفری می گویند .

شخصیت قرآنی

امام صادق (ع) از مصادیق بارز آیه تطهیر و مودة فی القربی است . امام باقر (ص) در تفسیر آیه : «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (الانبیاء، ۲۱/۷؛ النحل، ۱۶/۴۳)؛ فرمودند : «رسول خدا (ص) فرمود : «ذکر» من هستم و امامان نیز اهل ذکر هستند . و آن جا که قرآن فرمود : «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» (الزخرف، ۴۳/۴۴) آن قوم ؛ ما هستیم و ما مورد سؤال واقع خواهیم شد .» ۷

یکی از ویژگی های اخلاقی اهل بیت (ع) اخلاق قرآنی آنان است . کمک به نیازمندان و اتفاق اموال در تاریکی شب از سیره آن بزرگواران است . بنا به نقل معلی بن خنیس : در شبی تاریک و بارانی امام صادق (ع) کسیه ای را به دوش می کشید و به طرف محله «ظله بنی ساعدة» روان شد . معلی با فاصله در حالی که شیخ امام را می دید ، به دنبال امام (ع) رهسپار شد . ناگهان متوجه شد از پشت امام (ع) چیزی به زمین افتاد . صدای امام (ع) را شنید که فرمود : «خدایا این را به من برگردان» . معلی جلو رفت و سلام کرد . امام از معلی خواست چیزهایی که روی زمین ریخته به او بدهد . معلی نان هایی را که روی زمین افتاده بود را به امام (ع) داد . آنگاه که به محل بنی ساعدة رسیدند [آنجا فقرا و ضعفا بود] در حالی

که همه خواب بودند ، امام(ع) در زیر جامهٔ فرد فرد آنان - یکی یکی و دوتا دوتا - نان می گذاشت . معلی پرسید : آیا اینها شیعه و معتقد به امامت هستند؟ امام(ع) فرمود : نه ؛ اگر معتقد به امامت بودند به آنها نمک هم مساعدت می کرد م .^۸

جریانات فکری و فرهنگی

عصر صادقین(ع) از نظر پیدایش و رشد مشرب‌های گوناگون فقهی و کلامی و نیز از نظر تضارب افکار و اندیشه‌ها - عصری حساس بود . مسلمانان صدر اسلام آنچه را قرآن می آورد چه اصل و چه حکم می پذیرفتند . پیامبران(ص) اصرار داشت مسلمین در هر مورد و هر شبهه و شکی به او رجوع کنند و از مجادله و نزاع بپرهیزند . در روایات آمده است که آن حضرت در یکی از روزها بر اصحاب خود وارد شد و مشاهده کرد آنان در مورد قدر با یک دیگر مشغول نزاع اند و هر کدام از دو طرف به آیه‌ای از کتاب خدا استدلال می کنند . آن حضرت از منازعه آنها خشمگین شد و به آنان فرمود : «آیا شما به این کار دستور داده شده اید؟ پیشینیان شما به همین سبب نابود شدند . آنها با بخشی از کتاب خدا ، بخش دیگر را رد می کردند در حالی که آن از جانب خداوند نازل شده و هر بخش آن بخش دیگری را تأیید می کرد . بنگرید هر چه را به شما دستور می دهم به جا می آورید و از هر چه شما را نهی می کنم ، بپرهیزید .^۹

بر اساس فرمایش سید مرتضی(ره) : اصول توحید و عدل از سخنان امیرمؤمنان(ع) اخذ شده همه متکلمانی که پس از ایشان آمده اند به سخنان او تکیه کرده گفتار و آرای آن حضرت را شرح کرده اند ، و آنچه در این باره از امامان از نسل وی روایت شده از شماره بیرون است .^{۱۰}

پس از دوران پیامبر خدا(ص) و سپری شدن دوران صحابه مبارزات فکری و درگیری‌های عقیدتی در میان مسلمین پدیدار و آغاز شد و با گذشت زمان گسترش یافت . پدید آمدن فرق مختلفه در زمان بنی امیه - سیاست یا مصالح کشور - توجه زمامداران وقت را به طرف جبر و قدر معطوف داشته بود . دورهٔ بنی امیه سپری نشده بود . که مسأله خلق قرآن ، تنزیه و تشبیه و صفات باری به میان آمد . در دوره عباسی که ذخائر علمی یونان و ایران به زبان عربی ترجمه شدند و نهضت ترجمه شکل گرفت و علوم فراوانی در زمینه های طب ، منطق ،

فلسفه، نجوم، ریاضیات و رشته‌های دیگر وارد جامعه اسلامی شد و به تمام اقوام در مذهب و مباحثات و مناظرات مذهبی آزادی داده شد، اسلام مواجه با خطری بزرگ گردید. زرد تشتی، مسیحی، یهودی، زنادقه از هر طرف برخاسته آسیبی که در آغاز فتوحات اسلام از شمشیر اسلام دیده بودند خواستند با زبان قلم از آن انتقام بگیرند. اگر چه این تاثیر پذیری تا حد بسیاری به علت تبادل علوم و فرهنگ‌ها طبیعی بود. اما رد عقاید و مسائل مذهبی چینیان به آزادی؛ بنای انتقاد و نکته چینی را گذاشتند که اعتقاد مسلمانان ضعیف العقیده متزلزل شده و باورهای همه رو به سستی نهاد. در این زمان آراء و نظرات گوناگون و مذاهب مختلف شدند و مسلمین به صورت فرق و احزاب در آمدند که پیوسته همدیگر را هدف تکفیر و تفسیق قرار میدادند و از طریق قرآن و پیامبر (ص) منحرف گردیدند، اختلاف آراء به منتهای حد خود رسید. در این دوران امواج‌های فکری زیر در جامعه اسلامی حضور داشتند و هر یک گروهی را به دنبال خود می کشیدند.

۱. مذاهب کلامی اهل سنت مانند: مرجئه - معتزله - قدریه - خوارج و شعب آن.
۲. مشربه‌های فقهی متشکل از اصحاب رأی و اصحاب نقل و حدیث.
- ۳- فرق و مذاهب شیعه مانند: کیسانیه، زیدیه و امامیه.
- ۴- گروه‌های الحادی و انحرافی مانند: غلات و زنادقه.^{۱۱}

نکته قابل توجه‌ای که درباره تشنت جامعه شیعه و پیدایش تفرقه‌ها در میان آنها وجود دارد این‌که پاره‌ای از علمای درباری که در دستگاه عباسی بودند. به این اختلافات دامن زده و به بزرگ نشان دادن آن تلاش زیادی کردند.^{۱۲} در نتیجه شرایطی به وجود آمد که تشخیص راه صحیح از خطوط انحرافی به دشواری صورت می پذیرفت، به گواهی تاریخ امامان شیعه صادقین (ع) با این جریانات برخوردی فعال نمودند، به این صورت که - علاوه بر آن‌که خود با ارباب علوم و عقاید باب بحث و مناظره را گشودند - عده‌ای از شاگردان خود را نیز به عنوان فقیه، محدث و متکلم تربیت کردند تا با گفتگو و مناظره، آرای ملحدان و زنادقه را دفع کنند، و با فرقه‌های مسلمین که در آراء و اندیشه‌های خود از صراط مستقیم اسلامی و اصولی که قرآن و پیامبر (ص) وضع کرده منحرف شده به راه خطا می رفتند به بحث و گفتگو پردازند. تا به این وسیله سنت نبوی (ص) و تشیع علوی در مذهب جعفری تضمین گردد. امام (ع) در این دوران توجه تمام شیعیان را به اهل بیت (ع) جلب نموده و آنان

را از تمسک به احادیث دیگران باز می داشتند ، در روایتی امام صادق (ع) به یونس بن ضبیان فرمودند: «یا یونس! ان اردت العلم الصحيح فعندنا أهل البيت (ع) فإنا ورثنا و اوتینا شرع الحکمة و فصل الخطاب؛ ای یونس! علم راستین پیش ما اهل بیت (ع) است. زیرا ما راه‌های حکمت و میزان تشخیص خطا از صواب را به ارث برده ایم». ۱۳

ارجاع حدیث به قرآن

امام صادق (ع) قرآن را به عنوان اصل و حدیث را به عنوان فرع مطرح می کند و ملاک درستی و نادرستی حدیث را مطابقت حدیث با قرآن دانستند. آن حضرت به عنوان یک قاعده مبنای پذیرش احادیث را مطابقت آن حدیث با قرآن بیان نموده است. در نقل‌های متعدد روایت شده: «اذا ورد علیکم حدیث فوجدتموه له شاهداً من کتاب اللّٰه أو من قول رسول اللّٰه و الّا فالذی جاءکم به اولى به؛ زمانی که حدیثی به شما می رسد، اگر شاهدی از قرآن یا حدیث رسول خدا (ص) بر آن بود، بپذیرید، در غیر این صورت این حدیث برای همان کسی باشد که حدیث را برای شما نقل کرده است». ۱۴ و نیز فرمودند: «مالم یوافق من الحدیث القرآن، فهو زخرف؛ حدیثی که مطابق با قرآن نباشد نادرست است». ۱۵ این نگرش که قرآن حاکم بر حدیث است، مانع بسیاری از کجروی های فکری می شد که در پیدایش آن روایات رأی و قیاس یا اعمال نفوذ خلفا و سلاطین دخالت داشته است. این نگرش مانعی بر سر راه افکار و اندیشه های غالبان بود که با طرح احتمال تحریف قرآن می کوشیدند تا مطالب نادرست خود را به نام امامان (ع) و به عنوان حدیث نشر دهند. امام (ع) برای احیاء قرآن و توجه مردم به آن، جهت به دور کردن آنان از قیاس و استحسان و بدعت می فرمودند: «إن القرآن حیّ لم یمت و إنه یجری کما یجری اللیل و النهار و کما یجری الشمس و القمر». ۱۶ و نیز فرمودند: «إن القرآن فی کل زمان جدید». ۱۷ آن حضرت در طرح دیگر، کوشیدند تا بیان روایاتی که در زمینه فضایل خواندن سوره های قرآن بود، را در جامعه اسلامی احیاء کنند. در روایتی از آن حضرت نقل شده که از جمله چیزهایی که روز قیامت به خداوند شکایت خواهند کرد، قرآنی است که غبار آن را گرفته و خوانده نمی شود؛ «مصحف معلق قد وقع علیه الغبار لا یقرء فیه». ۱۸

محدثین و دانشمندان شیعه در دوره متقدمین در برخورد با احادیث به متن و محتوای

آن توجه داشتند؛ و در صورتی که روایتی موافق با سیاق آیات قرآن و احادیث معتبر نبود، با وجود سند صحیح آن را نمی پذیرفتند، و به آن عمل نمی کردند. اگر چه این مساله در روایات فقهی وجود داشت. اما روایات تفسیری و قصص قرآن نیز از این قانون استثنا بردار نیست چه بسیار روایاتی که به صورت قصه پردازی، به ساحت عصمت انبیای عظام اهانت شده - در صورت عرضه آنها به قرآن - و یا روایاتی که در دفاع از عصمت انبیای مکرم از ناحیه حضرت ابوالحسن الرضا^(ع) وارد شده، مطروح و یا متروک می گردد.^{۱۹}

منقولات تفسیری به روایت امام صادق^(ع)

بسیاری از معارف نبوی که امروزه در کتب فقه، حدیث، تفسیر و کلام مورد استناد واقع می شود، از طریق امام صادق^(ع) روایت شده است. امام^(ع) تاکید داشت که احادیث او همان احادیث رسول خدا^(ص) است. روایات تفسیری که از امام صادق^(ع) روایت شده در یک تقسیم بندی آنها را - در این مقاله - به دو دسته تقسیم می کنیم. دسته اول: روایاتی که سائل از امام^(ع) می پرسد و سوال کننده ممکن است مسلمان یا غیر مسلمان - زندیق - باشد. مانند سؤالات ابن ابی العوجاء و یا سؤالاتی در ارتباط با فهم و تاویل آیات، مانند: مصادیق اولی الامر. دسته دوم: تفسیرات عرفانی منسوب به آن حضرت.

یکی از مهمترین آثار منسوب به امام صادق^(ع) تفسیر قرآن آن حضرت است. «این تفسیر را نخستین بار لویی ماسینیون معرفی نمود، سپس پل نويا دیگر محقق فرانسوی آن را تصحیح و در سال ۱۹۶۸ م چاپ کرد. تفسیر مزبور در حقایق التفسیر أبو عبدالرحمن سلمی - م ۴۱۲ - است. این تفسیر مجموعه بزرگ و اندیشمندی از نخستین تفاسیر عرفانی قرآن را فراهم آورده است، سلمی به سبب قرار دادن تفسیر امام صادق^(ع) در این مجموعه، از جانب سفیان متعصب مورد سرزنش واقع شده است، و کسانی مثل ابن تیمیة و ابن جوزی ۲ حنبلی و ذهبی او را از بابت این تفسیر نکوهش کرده اند. ۲۰ از آن جایی که مطالب این تفسیر به تأویلات باطنیه شبیه است از حوصله این مقاله به دور است و در این مقاله به نمونه ای اشاره خواهد شد.

نمونه‌ای از روایات تفسیری

۱. روزی ابن ابی العوجاء از امام صادق (ع) درباره آیه «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (النساء، ۴/۵۶) سؤال کرد: آن پوست دیگر چه گناهی دارد که خداوند آن را عذاب می‌کند؟ امام صادق (ع) فرمودند: «وای بر تو! این پوست همان پوست اول است که چون پوست اول سوزانده شد، خداوند لایه دوم پوست را بر او می‌پوشاند. ابن ابی العوجاء درخواست توضیحات بیشتری می‌کند. امام (ع) می‌فرماید: «اگر کسی خشتی را بردارد و آن را بشکند و بعد آن خشت شکسته را به همان جا که برداشته بیندازد. این همان خشت اول است که برداشته و نیز این غیر خشت اول است، زیرا خشت اول غیر مسکور و صحیح بود. ۲۱»

۲. امام صادق (ع) در مورد تفسیر آیه: «أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ» (یوسف ۱۲/۷۰) فرمودند: سرقت برداران یوسف آن بود که حضرت را از پدرش دزدیدند وقتی که وکلای حضرت گفتند: «أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ» برداران گفتند: «مَاذَا تَقْفِدُونَ قَالُوا نَقْفِدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ» (یوسف، ۱۲/۷۱) به [آنها] نگفتند که شما جام پادشاه را دزدیده اید.

۳. هنگامی که از آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (الأنعام، ۶/۱۰۳) سؤال شده امام صادق (ع) فرمودند: خداوند فرموده است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (الأنعام، ۶/۱۰۴). و این به معنای بصائر عیون نیست. «فمن ابصر فلنفسه؛ هر کس بصارت به ذات پیدا کند، او را می‌توان ببیند». «ومن عمى فعليها» و معنی عمی نابینای عیون نیست، بلکه عبارت از عدم احاطه علم است. حضرت در پاسخ به سؤال زندیق که پرسید: در صورتی که بندگان او را نمی‌بینند چگونه عبادتش می‌کنند؟ فرمود: «دل‌های مخلوقات به نور ایمان او را می‌بینند و به عقول و فطانت او را اثبات می‌کنند، زیرا اثبات ظاهر و عیان هستی خداوند سبحان از روی عقل و عرفان است و با حسن ترکیب و نظم جهان دیده می‌شود».

۴. از امام صادق (ع) درباره «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۲۰/۵) سؤال شد؟ فرمودند: «عرش به محل و مکان ملک تعالی نیست تا این که حامل حضرت حق باشد، چرا که ما می‌گوییم حضرت غنی کامل و ممسک عرش است. ۲۲»
آنگاه به تفسیر آیه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (البقرة، ۲/۲۵۷) پرداخته می‌فرماید:

«کرسی و عرش حامل خداوند سبحان نمی باشد . زیرا خداوند محتاج به مکان و مخلوقات خود نیست ، بلکه این مخلوقات هستند که نیازمند به او هستند .

۵ . قاسم بن سلیمان از جراح از امام صادق (ع) روایت نموده : مراد از «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» (البقرة، ۱۸۷/۲) ؛ یعنی : روزه رمضان و هر کس هلال را در روز دید باید روزه اش را بگیرد . «صوم رمضان فمن رأى الهلال بالنهار فليتم صيامه» . ۲۳

۶ . نمونه ای از تفسیر عرفانی امام صادق (ع) : از عبد الله بن سنان درباره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . فرمودند : «الباء : بهاء الله ، والسين : سناء الله ، والميم : مجد الله» . ۲۴
۷ . داود بن فرقد از امام صادق (ع) روایت کرده است که «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ؛ یعنی : امیر مؤمنان علی (ع) . ۲۵

۸ . از امام صادق (ع) پیرامون تفسیر آیه : «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (النور، ۴۰/۲۴) ؛ و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود ، آمده که فرمودند : و منظور امامی از نسل حضرت فاطمه (س) است و «ماله نور» یعنی : برای او امامی نیست تا در نورش حرکت کند .

همچنین درباره «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» (الحديد، ۱۲/۵۷) ؛ «آن روز که مردان و زنان مومن را می بینی که نورشان پیشاپیششان روان است» ، فرمودند : «منظور از نور : امامان مؤمنین در قیامت می باشد . ۲۶

چنان که به روایات تفسیری صادره از امام صادق (ع) نظر کنیم پایه استدلال آن حضرت بر اساس علم امامت بر علوم و حقایقی است که از چشمه سار قرآن و علوم نبوی و وحی سرچشمه گرفته است .

میزان اعتبار تفسیر روایی

تفسیر قرآن به وسیله روایات اگر نوع روایات معتبر و صحیحه باشد چنین تفسیر همسان تفسیر قرآن به قرآن بوده و از بهترین تفسیر ها شمرده می شود .

علامه طباطبائی می فرماید : اگر اثر از روایات معصومین یعنی : - تفسیر روایی - باشد ، آنان از طریق روایت ثقلین معتبر شمرده شده اند . اما اگر تفسیر روایی از نوع روایت

غیر قطعی باشد قابل استناد در تفسیر نیست و باید در آن عملیات فقه الحدیث انجام گیرد. ۲۷

نتیجه

در میان فرق تکیه اصلی شیعه، از نظر فکری و عقیدتی بر امام صادق (ع) بوده و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت (ع) توسط این امام گسترش یافته است. امام صادق (ع) حد فاصل فرقه‌هایی قرار گرفته بود که در شیعه به وجود آمد، آن حضرت وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحرافات را در رأس برنامه خود قرار داد و آن را از تاثیر پذیری در برابر انحرافات موجود عصر خود، که از نظر پیدایش و رشد مشرب‌های گوناگون فقهی و کلامی و گروه‌های الحادی عصری حساس بود با اتخاذ سیاست‌های مناسب و اصل قرار دادن، قرآن و حاکمیت آن بر حدیث، کوشیدند تا قرآن را در جامعه اسلامی احیاء کنند، با تکیه بر علم امامت و کتاب خدا به تفسیر قرآن مبادرات می‌وزیدند.

-
۱. الارشاد، ۲/ ۲۵۳؛ اصول کافی «ترجمه: مصطفوی» ۲/ ۱۴. الکافی، ۱/ ۶۹.
 ۲. منتهی الامال/ ۱۲۱.
 ۳. اصول کافی، ۲/ ۳۷۷.
 ۴. فرق الشیعة «ترجمه: مشکور»/ ۸۷.
 ۵. تاریخ تشیع از پیدایش تا عصر غیبت کبری / ۱۲۰.
 ۶. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع) «جعفریان»/ ۱۹. عیون اخبار الرضا (ع)، ۱/ باب مناظرات.
 ۷. مجموعه مقالات همایش سراسری علم، معرفت و تضارب آراء، مقاله امام صادق (ع) نخستین مفسر قرآن / اکرم جودی نعمتی.
 ۸. بحار الانوار، ۴۷/ ۲۰.
 ۹. شیعه در برابر معتزله و اشاعرة «هاشم الحسنی»/ ۲۱-۲۲.
 ۱۰. وسائل الشیعة، ۲/ ۵۲۵.
 ۱۱. الأملی «سید مرتضی»، ۱/ ۱۰۳.
 ۱۲. وسائل الشیعة، ۲۷/ ۶۳.
 ۱۳. بحار الانوار، ۴۷/ ۲۰.
 ۱۴. مجمع البیان، ۲/ ۳۸۱.
 ۱۵. شیعه در برابر معتزله و اشاعرة «هاشم الحسنی»/ ۲۱-۲۲.
 ۱۶. تفسیر العیاشی، ۲/ ۲۰۳.
 ۱۷. عیون اخبار الرضا (ع)، ۲/ ۷.
 ۱۸. الکافی، ۲/ ۶۱۳.
 ۱۹. عیون اخبار الرضا (ع)، ۱/ باب مناظرات.
 ۲۰. مجموعه مقالات همایش سراسری علم، معرفت و تضارب آراء، مقاله امام صادق (ع) نخستین مفسر قرآن / اکرم جودی نعمتی.
 ۲۱. بحار الانوار، ۴۷/ ۲۰.
 ۲۲. شیعه در برابر معتزله و اشاعرة «هاشم الحسنی»/ ۲۱-۲۲.
 ۲۳. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۹۰.
 ۲۴. الکافی، ۲/ ۶۱۳.
 ۲۵. مجمع البیان، ۱/ ۲۲۸.
 ۲۶. عیون اخبار الرضا (ع)، ۱/ ۷.
 ۲۷. المیزان، ۱۳/ ۱۲.